

حضرت امام به این استدلال سید پاسخ می دهد:

«و أمّا التّشبيّه ببعض الأخبار لإثبات الحكم بالنسبة إلى الاثنين و أكثر كقوله - عليه السلام -: «نهى عن

تزويق البيوت»، بدعوى أنّه أعمّ من أن يكون صادراً عن واحد و ما زاد.

و كقوله - عليه السلام -: «و صنعة صنوف التصاوير ما لم تكن مثل الروحانيّ». و كقوله فى صحیحة محمد

بن مسلم: «ما لم يكن من الحيوان». و كقوله فى تفسير قوله تعالى يَعْمَلُونَ لَهُ ما يَشَاءُ: «و الله ما هى

تماثيل الرجال و النساء»، فإنّ ظاهره حرمة عملهم لها و لو كان بالاشتراك، و بالجملة يظهر منها مبعوضيّة

الصورة و لو صدرت من أكثر من واحد.

ففيه ما لا يخفى لما تقدّم أنّ الرواية الأولى راجعة إلى تزويق البيوت و أجنبيّة عمّا نحن بصدده، مع إمكان

المناقشة فى إطلاقها من الجهة المنظورة، لإمكان أن يكون تزويق البيوت محرّماً على صاحب البيوت و لو

بالتسبيب و إن لم يكن بعض التصوير محرّماً على الفاعل، تأمّل. و كيف كان لا يصحّ الاستناد إليها للمقام.

و الثانية أيضاً أجنبيّة عن المقام كما تقدّم و يأتى بعض الكلام فيها إن شاء الله، مع أنّها بصدد بيان صنوف

الحلال و الحرام و لا إطلاق فيها من حيث الفاعل.

و كذا صحیحة ابن مسلم لما تقدّم و يأتى.

و أضعف منها التمسك برواية أبى العباس، ضرورة عدم معلوميّة الواقعة الخارجيّة. و نفى تماثيل الرجال و

النساء أجنبي عن الدلالة على حرمة عملهم و لو بالاشتراك. و عدم دلالتها على حرمة ذلك على سليمان

النبي - عليه السلام - كما تقدّم.»^۱

توضیح:

۱. روایت اول: اولاً مربوط به تصویرگری نیست. ثانیاً بر فرض هم چنین باشد، مطلق نیست یعنی نمی گوید هر نوع تصویرگری و مجسمه سازی حرام است بلکه می گوید مجسمه سازی اگر تزویق باشد و اگر از صاحب البيت باشد حرام است.
۲. روایت دوم: اولاً روایت مربوط به ساختن تصویر موجوداتی است که روحانی (یعنی از نظر پنهان می باشد) [قبلاً این احتمال را داده اند]^۲ ثانیاً: روایت اطلاق ندارد (در مقام بیان نیست)
۳. روایت سوم: هم مطلق نیست.

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۲۲۷۳.





۴. روایت چهارم: اولاً: مطلق نیست چراکه حاکی از عمل خارجی است.

ثانیاً: اینکه کار جن، ساختن تمثال و تصویر انسان نبوده، ثابت نمی‌کند ساختن تصویر انسان حرام بودن است (ولو بالاشتراك)

ثالثاً: اینکه جن چنین نمی‌کرده، ثابت نمی‌کند که بر سلیمان حرام بوده (بلکه شاید با شأن او سازگار نبوده است).

حضرت امام همچنین به این اشاره می‌کند که اگر کسی بخواهد بگوید روایت می‌گوید «ساختن تصویر ضدیت با خداست» و کسانی که اشتراکاً چنین می‌کنند ضدیت با خدا دارند، سخنشان کامل نیست. ایشان می‌نویسد:

«و ما يمكن أن يستشعر من الروايات من أنه مضاة لله - تعالى - في مصوريته، فيمكن أن يقال فيه: إن كل واحد من الفاعلين لم يفعل ما يضاة الله - تعالى - فإنه تعالى مصور الصورة المنفوخة فيها، و كل من الفاعلين لم يفعل ذلك و المجموع منهما ليسا شخصا واحدا مضاة له تعالى، مع أن في كون المناط ذلك بحيث يكون كالعلة في التعميم و التخصيص منعا. و أسوأ منه توهم إلغاء الخصوصية عرفا، سيما مع ما في الأخبار من أنه يؤمر بالنفخ، الظاهر منه أن المصور شخص واحد بخصوصية كونه مصورا و هي منفية في المقام.»^۱

توضیح:

۱. اولاً: تک تک سازندگان، «تصویرگر» نبوده اند تا «ضد» باشند و روی هم رفته هم شخص واحد نیستند [ما می‌گوییم، شخص حقیقی نیستند ولی اطلاق واحد اعتباری به آنها ممکن است]
۲. ثانیاً، معلوم نیست ملاک حرمت، ضدیت با خدا باشد تا بخواهیم آن را تعمیم دهیم.
۳. توجه شود که نمی‌توان از «حرمت ساختن تصویر کامل» إلغاء خصوصیت کرد و حکم را در ساختن جزء هم آورد. به خصوص که در روایت می‌گوید که به سازنده می‌گویند «زنده کن» که ظاهرش در فرد واحد است.

حضرت امام سپس نتیجه می‌گیرند:

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۲۸۱.



«و الإنصاف عدم نهوض الأدلة الإثبات الحكم و إن كان الاحتياط في الدين يقتضى التجنب عنه و لو بالاشتراك، لذهاب بعض الأساطين إلى حرمة، و مظنونية تحقّق المناط، و عدم رضا الله - تعالى - بكون الشخصين أيضاً مشابهاً له في مصوّريته، و احتمال مساعدة العرف للتعدّي و إلغاء الخصوصية، و احتمال شمول

رواية أبي بصير عن أبي عبد الله - عليه السلام -، قال: قال: رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم، أتاني جبرئيل فقال: «يا محمد، إن ربك ينهى عن التماثيل» للمقام، بناء على أنّها غير الرواية المتقدمة كما هو الظاهر، و بناء على أنّ النهي عن تصوير التماثيل، إلى غير ذلك.»^۱

توضیح:

۱. ساختن اشتراکی بر تک تک افراد حرام نیست.
۲. احتیاط در ترک است چراکه: اولاً بزرگانی (سید یزدی) فتوا به حرمت داده اند. ثانیاً: ممکن است ملاک حرمت، در ساختن اشتراکی هم باشد. (شارع می خواهد واحد اعتباری هم تشبیه به خدا پیدا نکند) ثالثاً: ممکن است عرف حکم به الغاء خصوصیت کند یا حکم را در واحد اعتباری هم جاری بداند. رابعاً: ممکن است روایت ابوبصیر شامل این فرض شود (البته اگر این روایت همان روایت نهی از تزویق بیوت نباشد و اگر نهی از ساختن و تصویر کردن تماثيل باشد و نه پرستش آنها) ما می گوئیم:

با توجه به آنچه در اصل بحث آوردیم و گفتیم آنچه حرام است «ساختن مجسمه یا تصویر با قصد یا با علم به پرستیده شدن» است، در این جا می گوئیم:

الف) واحد اعتباری (اینکه چند نفر با هم «سازنده» باشند) نمی تواند مورد حکم تکلیفی واقع شود بلکه حکم تکلیفی مربوط به شخصیت حقیقی است. و لذا «حرمت ساختن کل بر شخصیت حقوقی» قابل اثبات نیست.

ب) اما عقلاً هرگونه کمک به ایجاد آلت عبادت غیر خدا حرام است (به ادله ای که سابقاً در بحث از حرمت بیع آلات مبتدعه للعباده آورده شد). و لذا ساختن جزء آن هم بر هر کسی حرام است.

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۲۸۳.